

دو تا ۱۲۶	تعلیم ۳۰
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد از کار خدا بوسیله شریعت اطلاع دارد - قسمت اول	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی شما یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید. در پنج روز آینده دو معلم، کار خدا از طریق شریعت، کار خدا از طریق مرگ و قیام ما و کار خدا از طریق آمدن ثانوی مسیح را توضیح خواهند داد. در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود، یادداشت بردارید یا آنرا ضبط کنید. عنوان تعلیم امروز این است: یک شاگرد از کار خدا بوسیله شریعت اطلاع دارد - قسمت اول. ما قوانین اخلاقی، تشریفاتی و مدنی عهد عتیق را بررسی خواهیم کرد.

(S) نکته ۱. قانون اخلاقی خدا که بر قلب نوشته شده چون یک قاضی عمل می کند.

اول. قانون اخلاقی خدا در وجود انسان نهاده شده است. در رومیان ۲: ۱۴-۱۵ پولس می نویسد: " هرگاه امتیاهی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به طبیعت بجا آرند اینان هر چند شریعت ندارند برای خود شریعت هستند چونکه از ایشان ظاهر می شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است و ضمیر ایشان نیز گواهی می دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مذمت می کنند یا عذر می آورند. " هدف قوانین اخلاقی این است که به همه انسانها تعلیم دهد چگونه باید با خدا و مردم دیگر رابطه داشته باشند. وقتی خدا انسان را خلق کرد او قوانین اخلاقی را بر قلب هر انسانی نوشت و به انسان وجدان داد تا این قوانین اخلاقی را به او یادآوری کند. بنابراین قوانین اخلاقی خدا بطور طبیعی به فرزندان به ارث می رسد. خود آدم بوسیله وجدان کاملاً مقدس و شفاف خود می دانست باید چکار کند تا قانون خدا را حفظ کند. او می دانست که تنها یک خدا وجود دارد و تنها او باید پرستش، خدمت و اطاعت گردد. او می دانست که خدا بی احترامی به والدین، کشتن، زنا، دزدی، دروغ و طمع به اموال دیگران را ممنوع ساخته است.

(T) دوم. قانون اخلاقی خدا بوسیله گناه محو گردید. اما بعد از اینکه آدم مرتکب گناه شد، نسل های بعدی انسان قوانین اخلاقی خدا را بیشتر و بیشتر فراموش کرد یا کاربرد آنرا تحریف نمود. اگر چه اقوام غیر یهود شریعت نوشته شده عهد عتیق را نداشتند با اینوجود آنها ذاتاً خواسته های شریعت را انجام می دادند. آنها ثابت کردند که شریعت خدا که بر روی قلب انسانها نوشته شده است کاملاً بر اثر گناه نابود نشده است. و این وجدان، ثابت می کرد که انسانها فرق بین بد و خوب را می دانند. بنابراین کتاب مقدس می گوید که همه مردم بخاطر عصیان بر علیه قوانین خدا مقصرند و هیچ عذری ندارند. رومیان ۳: ۱۹ می گوید، " بنابراین خدا یهودیان را خیلی شدیدتر داوری و مجازات خواهد کرد زیرا ایشان می بایست بجای اینکه مرتکب چنین گناهی شوند دستورات و احکام خدا را بجا آورند. به همین علت هیچیک از ایشان نخواهد توانست برای بی ایمانی و گناهان خود عذر و بهانه ای بیاورد. در حقیقت تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری قادر مطلق، مقصر و محکومند. "

(S) سوم. خدا شریعت را روشن می گرداند و توسعه می دهد. وقتی خدا اسرائیل را بعنوان یک قوم انتخاب کرد که بوسیله آن تصمیم داشت خودش را به قومهای دیگر آشکار کند. او به قوم اسرائیل شریعت نوشته شده عهد عتیق را داد. این قوانین نه تنها قوانین اخلاقی خدا را روشن می سازند که بر اثر گناه در وجدان انسان کمرنگ شده بود بلکه حتی معیارهای جدیدی را هم اضافه کرد که وجود آن ها در رابطه با گناه ضروری بود. در این رابطه خدا قوانین اخلاقی را روشن ساخت و قوانین تشریفاتی و مدنی را هم به آن اضافه نمود.

(T) نکته ۲. قوانین تشریفاتی تنها بعنوان یک زمینه ساز در دوران عهد عتیق ایفای نقش می کرد.

اول. هدف قوانین تشریفاتی عهد عتیق قبل از اولین آمدن مسیح. چون تمام نژاد انسان به گناه کشیده شدند، کفار ه ای برای گناهان بسیار ضروری گردید. خدا قوانین تشریفاتی که شامل قربانی کفار ه ای بود را هم اضافه کرد تا به قومش یاد دهد چطور به حضور خدای کاملاً مقدس و عادل وارد شود تا نابود نگردد و چطور او را پرستش و خدمت کند.

(S) دوم. زمینه قوانین تشریفاتی عهد عتیق. قوانین تشریفاتی عهد عتیق، قوانین و مراسم را با توجه به چهار حیثه پرستش و خدمت قید می کند: اشخاص مقدس، مکانهای مقدس، زمانهای مقدس و اعمال مقدس. اشخاص مقدس شامل کاهن می شد که قربانی های کفار ه را باید می آورد (اول تواریخ ۶: ۴۸-۴۹) و لایوان که با نواختن موسیقی و انجام کارهای معبد خدمت می کردند. مکانهای مقدس شامل خیمه اجتماع و بعداً معبد اورشلیم می شد. زمانهای مقدس شامل اعیاد و سبت بود و اعمال مقدس شامل ختنه پسرها، مراسم شستشو، خوردن غذاهای پاک، هدایای قربانی ها، آوردن نویر حصاد و ده یک بود. اما عبرانیان ۸: ۵ و ۱۳ و ۱۰: ۱ تعلیم می دهد که انجام قوانین تشریفاتی در عهد عتیق تنها سایه ای از چیزهای واقعی بود که قرار بود بیاید. در عهد جدید عبرانیان ۹: ۸-۱۰ به ما تعلیم می دهد که قوانین تشریفاتی در عهد عتیق مراسمی ظاهری بود که کاربردش تا زمان عهد جدید بود و نمونه ای بود از چیزهایی که

در عهد جدید باید اتفاق می افتاد. در متی ۵: ۱۷ عیسی مسیح گفت که او در اولین آمدنش به زمین، قوانین تشریفاتی عهد عتیق را انجام داد.

(T) سوم سایه قوانین تشریفاتی عهد عتیق در اولین آمدن مسیح تبدیل به واقعیت گردید. طبق عبرانیان ۷: ۲۳-۲۸، تنها کاهن مسیحیان، عیسی مسیح است. طبق اعمال ۱۷: ۲۴-۲۵ و افسسیان ۲: ۲۱-۲۲، تنها معبد مسیحیان، بدن جهانی ایمانداران است که کلیسا نامیده می شود. طبق یوحنا ۱: ۲۹ و رومیان ۳: ۲۵ تنها قربانی کفاره ای مسیحیان، مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب است. طبق رومیان ۲: ۲۸-۲۹ و کولسیان ۲: ۱۱ تنها ختنه مسیحیان، ختنه قلبهای گناهکارشان است. طبق عبرانیان ۴: ۱-۱۱ تنها سبت مسیحیان، وقتی است که آنها وارد آرامی ابدی آسمان می گردند. طبق مرقس ۲: ۱۸-۲۲، روزه و ماتم ایمانداران عهد عتیق تبدیل به جشن و شادی ایمانداران عهد جدید شده است. طبق دوم قرنتیان ۹: ۶-۱۵ حمایت از پرستش معبد بوسیله ده یک در عهد عتیق جای خود را به بخشیدن سخاوتمندانه مسیحیان در عهد جدید داده است. طبق مرقس ۷: ۱۹ و اول تیموتائوس ۴: ۳-۵ عیسی مسیح اعلام کرد که تمام غذاها برای خوردن پاک هستند.

(S) چهارم بعد از اولین آمدن مسیح قوانین تشریفاتی لغو شده اند. کولسیان ۲: ۱۴ بروشنی تعلیم می دهد که مسیح قوانین تشریفاتی عهد عتیق را به همراه مطالبات آن لغو کرد و مسیحیان را از مراسم آن آزاد گردانید. بعلاوه افسسیان ۲: ۱۴-۱۵ بروشنی تعلیم می دهد که مسیح تمام قوانین و مراسم تشریفاتی شریعت را از کلیسای مسیحی حذف و باطل کرد. قوانین تشریفاتی عهد عتیق دیگر نباید در کلیسای مسیحی قرار بگیرد. زیرا دوباره باعث جدایی در بین مسیحیان می گردد.

(T) نکته ۳. قوانین مدنی خدا تنها نقش یک زمینه ساز را در دوران عهد عتیق ایفا می کرد.
اول هدف قوانین مدنی عهد عتیق پیش از اولین آمدن عیسی مسیح بعد از اینکه خدا قوم بی اهمیت اسرائیل را انتخاب کرد تا از طریق آنها خودش را به قومهای جهان آشکار کند. برای این قوم که تحت حکومتی مذهبی بود داشتن قوانین اجتماعی و حقوقی تبدیل به یک ضرورت گردید. خدا قوانین مدنی را به قومش داد تا به آنها یاد دهد چطور در بین قوم های دیگر جامعه ای با نظم و عدالت باشند.

(S) دوم محتوای قانون مدنی عهد عتیق. قانون مدنی عهد عتیق مقررات و اصولی را قید می کرد که نحوه حکومت، روابط اجتماعی، نظام حقوقی و جزایی و نظام ارتش، بخصوص جنگ را مشخص می نمود. برای مثال قوانین مربوط به حکومت مدنی شامل مقررات راجع به رهبران اسرائیل، قبیله ها و خاندان ها و مقررات مربوط به پادشاه اسرائیل می شد. (اعداد: ۱-۳، ۱۶، ۲: ۲، ۱۷، ۳۴، ۲۷: ۱۵-۲۳، تثنیه ۱۷: ۱۴-۲۰). قوانین مربوط به نظام اجتماعی شامل مقررات راجع به بردگان عبری، گناهان جنسی، ارتکاب جادوگری، ازدواج و طلاق، بدرقتاری با ضعیفان و افراد غریب و فرزندان نامطیع می شد (خروج ۲۱: ۱-۱۱، ۲۲: ۱۶-۳۱، لاویان ۱۹: ۲۰، تثنیه ۲۱: ۱۸-۲۱، ۲۲: ۱۳-۳۰، ۲۳: ۱۵-۲۵: ۱۹). قوانین مربوط به نظام حقوقی و جزایی شامل مقررات مربوط به حمایت از اموال شخص، قتل و ضرب و جرح می شد (خروج ۲۱: ۱-۲۳، ۹: لاویان ۱۹: ۱۵، تثنیه ۱۶: ۱۸-۲۰). قوانین مربوط به نظام ارتش راجع به سربازگیری برای خدمت نظام در اسرائیل، اعلان جنگ و نابودی کامل هفت قوم شریری که در کنعان ساکن بودند می شد (لاویان ۱۸: ۲۴-۲۵، ۲۸: ۳۰، تثنیه ۷: ۱-۱۱، ۱۸: ۹-۱۲، مزمور ۱۰۶: ۳۴-۳۷).

(T) سوم بعد از اولین آمدن مسیح، قوانین مدنی ملت - ملکوت اسرائیل جای خود را به تعلیم عهد جدید درباره ملکوت خدا (یوحنا ۱۸: ۳۶) و شکل زمینی فعلی آن در کلیسا (غلاطیان ۶: ۱۶) داد. یک خدا دو برنامه ندارد. یکی برای ملت - ملکوت اسرائیل و دیگری برای کلیسای مسیحی. خدا تنها یک نقشه دارد که شامل ایمان آوردن یهودیان و غیر یهودیان از تمام قومهای روی زمین می شود (افسسیان ۱: ۹-۱۴، ۲: ۱۱-۲۲). در یوحنا ۱۰: ۱۶ عیسی مسیح بروشنی تعلیم می دهد که تنها یک گله و یک شبان وجود دارد. در حالیکه یهودیانی که به عیسی مسیح ایمان نیاوردند از ملکوت خدا حذف می شوند (متی ۸: ۱۱-۱۲، ۲۱: ۴۳-۴۵) هر کس که به عیسی مسیح از هر قومی ایمان داشته باشد جزو ملکوت خدا می گردد. دو مقررات در ملکوت خدا و شکل زمینی فعلی آن در کلیسای مسیحی نمونه ای از مقررات جدید مربوط به حکومت مدنی ملتها می باشد. متی ۲۲: ۲۱، اعمال ۴: ۱۹، ۵: ۲۹ و رومیان ۱۳: ۱-۷ و اول پطرس ۲: ۱۳-۲۳ تعلیم می دهد که هر حکومت مدنی باید در چار چوبی که خدا قرار داده بر مردم حکومت کند. این حکومت باید با عدالت و انظوری که کتاب مقدس می گوید بر مردم حکومت کند و بدکاران را مجازات نماید. قوانین جدید در رابطه با نظام اجتماعی در ملکوت خدا در قسمتهایی از عهد جدید تعلیم داده شده است یعنی در متی ۵ تا ۷، اول قرنتیان ۶: ۱۲ تا ۷: ۴۰، افسسیان ۴: ۱۷ تا ۶: ۱۱، کولسیان ۳: ۱۸ تا ۴: ۱، اول تسالونیکیان ۴: ۱-۱۲، یعقوب ۲: ۱-۱۳ و ۵: ۱-۱۲. هر جامعه باید نهادهای الهی مثل ازدواج، خانواده و کلیسا را حفظ کند. هر جامعه باید نظم اخلاقی را حفظ کند و برای مبارزه با جرم، گناهان جنسی، مواد مخدر و بی عدالتی تلاش نماید. هر جامعه باید نظام ارزشی و در نتیجه نظام قانونی که بر اساس کتاب مقدس است داشته باشد. مقررات جدید درباره نظام قانونی در اول قرنتیان ۶:

۱-۱۰، عبرانیان ۱۰: ۳۴ و اول یوحنا ۵: ۱۷ و مقررات جدید درباره امور نظامی از دیدگاه مسیحی در متی ۲۶: ۵۲-۵۴، لوقا ۶: ۲۷-۲۸ و یوحنا ۱۸: ۳۶ تعلیم داده شده است.

(S) نکته ۴. قانون اخلاقی خدا در دوره عهد جدید هم به ایفای نقش خود ادامه می دهد.

اول. هدف قانون نوشته شده اخلاقی با توجه به قرن‌ها گناه، مردم قانون اخلاقی خدا را فراموش کرده بودند و یا عمداً آن را در راستای اهداف غیر اخلاقی خود تحریف نمودند. بنابراین بالاخره خدا فرامین اخلاقی خود را به شکل مکتوب به قوم اسرائیل داد. قانون اخلاقی عهد عتیق قوانین و مقرراتی را قید می کند که راجع به چگونگی رابطه انسانها با خدا و یکدیگر بمنظور خشنود کردن و جلال دادن او می باشد.

(T) **دوم.** محتوای قانون اخلاقی عهد عتیق. در ده فرمان خلاصه شده است که در خروج ۲۰ و تثبیه ۵ نوشته شده است. توجه به این نکته بسیار مهم است که خدا قوانین اخلاقی را در زمینه فیض به انسان بخشید. در خروج ۲۰: ۲ می خوانیم، "من خداوند خدای تو هستم همان خدایی که تو را از اسارت و بندگی مصر آزاد کرد." تنها بعد از اینکه خدا بزرگوارانه قومش را از بندگی مصریان نجات داد او به آنها آن ده فرمان اخلاقی را داد تا به آنها تعلیم دهد خدا از آنها انتظار دارد بعنوان قومش چگونه در این جهان زندگی کنند.

قوم خدا باید با قومهای اطرافشان متفاوت باشد. هدف خدا از دادن قوانین عهد عتیق وسیله ای برای عادل شمرده شدن یهودیان نبود. کتاب مقدس آشکارا تعلیم میدهد که هیچکس بوسیله تلاش برای نگاه داشتن قوانین خدا، عادل شمرده نخواهد شد. مقصود خدا از قانون اخلاقی این بود و هنوز هست که قومش بدانند چگونه باید بعنوان قوم او در این جهان زندگی کنند تا او را خشنود کنند و جلال دهند.

(S) **اولین فرمان می گوید،** "تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد." فرمان اول چند خدایی، بت پرستی و

جادوگری را قدغن می سازد. خداوند تنها خدای زنده است و ایمانداران باید خود را کاملاً تنها به او وقف کنند. **یک.** اولین فرمان تعلیم می دهد که تنها یک خدا وجود دارد. از زبان اشعیا نبی خدا می گوید، "من خداوند هستم، من اولین و آخرین هستم. جدای از من خدایی نیست." (۴۴: ۶، ۴۵: ۵). در مرقس ۱۲: ۲۹ عیسی می گوید، "تنها خدایی که وجود دارد خداوند ما است." و در اول قرنتیان ۸: ۶ پولس رسول می گوید، "اما ما می دانیم که تنها یک خدا وجود دارد." تنها خدا، خدای کتاب مقدس است! **دو.** اولین فرمان جادوگری را قدغن می کند. جادوگری ایمان داشتن به روح ها و استفاده از قدرت آنها برای انجام کاری است. در تثبیه ۱۸: ۹-۱۳ خداوند می گوید، "مواظب باشید که از آداب و رسوم نفرت انگیز قوم هایی که در آنجا زندگی می کنند پیروی نکنید... هیچ یک از شما نباید به جادوگری بپردازد یا غیبگویی و رمالی و فالگیری کند و یا ارواح مردگان را احضار نماید. خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارها می زند متنفر است." جادوگران باید کشته می شدند (خروج ۲۲: ۱۸) و مرد یا زنی که احضار کننده ارواح بود در قوم اسرائیل سنگسار می شد (لاویان ۲۰: ۲۷). افرادی که پیش واسطه ها یا احضار کنندگان ارواح می رفتند بوسیله خود خدا نابود می شدند. در لاویان ۲۰: ۶ خدا می گوید، "اگر کسی به جادوگران و احضار کنندگان ارواح متوسل شود آنگاه من او را طرد می کنم و به سزای اعمالش می رسانم." این قانون هرگز تغییر نکرده است. اما عهد جدید کشتن مردم به دلایل بالا را قدغن می کند چون قانون جزایی قوم اسرائیل برای مردم در عهد جدید کاربرد ندارد. **سه.** قانون جزایی اسرائیل بر این فرمان اول تأکید می کرد. در عهد عتیق قانون جزایی اسرائیل پرستش هر خدایی بجز خدای کتاب مقدس را ممنوع می کرد و کسانی که از این فرمان سرپیچی می کردند کشته می شدند. ایمانداران در عهد عتیق نباید نام خدایان دیگر برای طلب کمک بربان می آوردند (خروج ۲۳: ۱۳). هر کس که برای خدای دیگری قربانی می گذراند باید نابود می گشت (خروج ۲۲: ۲۰). هر نبی که سعی می کرد تا مردم را به پرستش خدای دیگری بجز کتاب مقدس اغوا کند کشته می شد (تثبیه ۱۳: ۱-۱۵، ۱۸: ۲۰). هر عضو خانواده که بطور مخفیانه تلاش می کرد تا ایمانداران را تشویق به عبادت خدایی جز خدای کتاب مقدس کند باید کشته می شد (تثبیه ۱۳: ۶-۱۱). هر شهری که خدایی بجز خدای کتاب مقدس را می پذیرفت باید کاملاً نابود می شد. اما عهد جدید کشتن مردم به دلایل بالا را قدغن می کند چون قانون جزایی قوم اسرائیل برای مردم در عهد جدید کاربرد ندارد.

(T) **فرمان دوم می گوید،** "هیچگونه بتی به شکل حیوان یا پرند یا ماهی برای خود درست نکن." فرمان دوم

ساختن هر نوع بت یا تصاویر هر خدایی را ممنوع میکند. قوم اسرائیل از مصر یعنی جایی که مردمش بت هایی بشکل پرندگان هوا، گاوها بر زمین و ماهیان دریا را پرستش می کردند بیرون آمده بود. **یک.** فرمان دوم پرستش خدا را از راهی غیر از آنچه در کتاب مقدس است قدغن می کند. مردم نباید چیزی را که انسان ساخته و قابل دیدن، شنیدن، لمس کردن یا احساس کردن باشد، پرستش کنند. "زیرا خدا روح است و هر که بخواد او را ببرسد باید به روح و راستی برسد" (یوحنا ۴: ۲۴). مردم نباید او را آنطور که می خواهند یا به شکل انبیای کاذب پرستش کنند. **دو.** فرمان دوم بر نابودی بت های خود شما تأکید می کند. با توجه به بت پرستی، به ایمانداران در عهد عتیق فرمان داده شده بود، "قربانگاه کافران را خراب کنید. ستونهایی را که می پرستند خرد کنید و مجسمه های شرم آور را تکه تکه نموده بت هایشان را بسوزانید." در دوم پادشاهان ۲۳، یوشیای پادشاه منبج بت ها را نابود و تکه تکه نمود. آنها را خرد کرد و

به آتش سوزاند و خاکسترش را بر روی قبرها پاشید. بت خانه ها را با پوشاندنشان با استخوان انسان بی حرمت کرد، مرقد هایشان را نابود نمود، تمام کاهنان بت ها را کشت و فاحشه ها، احضار کنندگان ارواح و تمام خادمین بتها را بهمراه تمام چیزهای ناپاک دیگر در تمام کشور ریشه کن کرد. در عهد جدید در اعمال ۱۹: ۱۹ ما می خوانیم مردمی که بسوی مسیح می آمدند، " آنان که قبلا با سحر و جادو سر و کار داشتند آمدند و به گناه خود اعتراف کردند و کتابها و طلسمهای خود را در مقابل همه سوزاندند. " مسیحیان باید تمام بت های خود را نابود کنند بخصوص وقتی که آنها شغل، پول، قدرت یا شهرت خود را یک بت بسازند. اما مسیحیان اجازه ندارند بت های انسانهای دیگر را نابود کنند. خدا خودش در زمان معین، آنها را نابود می سازد.

(S) فرمان سوم می گوید، " از نام من که خداوند خدای تو هستم سوء استفاده نکن. " فرمان سوم استفاده نادرست از نام خدا را قدغن می سازد. فرمانهای دیگر در عهد عتیق این فرمان را توضیح می دهند. اگر یک نبی که می باید در نام خدا صحبت کند، از طرف خدا چیزی می گفت که خدا به او فرمان نداده بود تا بگوید باید کشته می گشت (تثنیه ۱۸: ۲۰). قسم دروغ خوردن بنام خدا قدغن بود (لاویان ۹: ۱۲). لعنت کردن خدا ممنوع بود. در لاویان ۲۴: ۱۰-۱۶ خدا می گوید، " هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. " اما عهد جدید کشتن مردم به دلایل بالا را قدغن می کند چون قانون جزایی قوم اسرائیل برای مردم در عهد جدید کاربرد ندارد. معلمین مذهبی یهودی به اشتباه فعل کفر گفتن را نام بردن ترجمه کردند و بنابراین حتی به زبان آوردن اسم خدا را در هر وقت قدغن کردند. اما دو فعل لعنت کردن و کفر گفتن موازی و مترادف هم هستند. خدا به زبان آوردن اسمش را ممنوع نکرده بود بلکه فقط لعنت کردن یا کفر گفتن را قدغن کرده بود. ایمانداران در عهد عتیق و عهد جدید می توانند اسم خداوند را در هنگام دعا یا صحبت درباره او با احترام بر زبان بیاورند.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. یکی از قوانین اخلاقی خدا را انتخاب کنید و بعنوان پاسخی از روی سپاس و محبت در مقابل کاری که او برای شما انجام داده، آن قانون اخلاقی را تمرین کنید. به قسمت دوم کار خدا بوسیله قوانین عهد عتیق گوش کنید. ما به مطالعه معنای ده فرمان و بررسی دیدگاه عهد جدید از شریعت ادامه می دهیم.

دوم. کتابهای دستور عمل " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش کنید.